

ادامه از صفحه اول

شکست هیمنه ترامپ در چالش کرونا

حاصل آنکه آمریکای قدرّ قدرت در جنگ سوم جهانی در مقابل لشکر کرونا تنها و بی‌کس باقی ماند و تاکنون بیش از ۸۰۰ هزار مبتلا و نزدیک به ۵۰ هزار تلف‌شده از مردم بی‌گانه آمریکا به بار آورده است. دونالد ترامپ از همان ابتدا که بر سر کار آمد، برخلاف بقیه رؤسای جمهور آمریکا، به قدرت نظامی کمتر تکیه و استناد کرد و از آلت‌رناتیوهای دیگر نظیر تحریم‌های اقتصادی، جنگ‌های سایبری و بیولوژیک و جنگ‌های تجاری برای شکست رقبا استفاده کرد، ولی همه اینها برای مقابله با قدرت‌های زمینی طراحی شده‌اند. بنابراین ترامپ در مقابل هجوم کرونا غافلگیر شد. ترامپ خود را مرد اقتصاد و تجارت معرفی می‌کرد که در همه معاملات با کشورها و همه مراودات بین‌المللی و حتی در همه دوستی و دشمنی‌ها فقطو فقط حساب سود و زیان می‌کرد و پایبندی به هیچ اصول دیگری برایش اهمیت نداشت. او با شعار آمریکا شلوغر اول جهان و با شعار رفخ پی‌کاری و افزایش سطح درآمد و تولید بیشتر ناخالص ملی به صحنه ریاست‌جمهوری آمریکا آمد و روی این عوامل خیلی حساب می‌کرد. در عرض دو سال توانست با ضایع‌کردن حقوق سایر ملل و با نابودکردن ساختارهای بین‌المللی، به‌طور موقت در داخل آمریکا ثروت‌اندوزی کند و به‌ظاهر رقم بی‌کاری را به پایین‌ترین نرخ و رشد توسعه را به بالاترین نرخ در سال‌های اخیر در آمریکا برساند. در این راستا کام‌هایی برداشت که برخلاف نرُم‌های بین‌المللی، برخلاف اصول و حقوق بین‌الملل و نیز ناقض صلح و امنیت جهانی به‌شمار می‌رفت. غافل از اینکه خداوند جهان، اندیشه دیگری برای نتیجه او در سرد دارد و سرکوب او هم مستمنا از سایر گردنکشان تاریخ نیست. ترامپ با تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران ولی به‌نام مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی و با محروم‌کردن ایران، ونزوئلا و دیگران، از بازار صادرات نفت برای فروش نفت شیل آمریکا به‌دست‌آوردن بازار صادراتی آن، تلاش کرد ثروت ملل در حال توسعه را در داخل کشور خود ببرد و چند صابحی به دستاوردهای خود نزد مردم آمریکا افتخار کند. او همه چیز را آماده ادامه حکومت پوپولیستی خود برای دور دوم می‌دید، ولی ظاهرا خداوند ممکن است سرنوشث دیگری برای او رقم بزند. آثار اشتغال و رفخ بی‌کاری که بزرگ‌ترین دستاورد ترامپ به‌شمار می‌رفت، در عرض یک ماه سقوط کرد و نزدیک به ۲۵ میلیون بی‌کار روی دستان ترامپ گذاشت؛ یعنی نرخ بی‌کاری کمتر از چهار درصد به بالای ۱۵ در صد تا اینجا افزایش پیدا کرد. قیمت نفت نیز به زیر ۱۴ دلار در هر بشکه رسید و همه تولیدکنندگان نفت شیل آمریکا به ورشکستگه دچار شدند، زیرا تولید نفت شیل با ۶۰ دلار در هر بشکه در آمریکا صرف می‌کند. حال‌آکه آمریکا برای نفت وست نکزاس، ناچار به دادن پول هر بشکه برای انبار آسوزی خریداران شده است؛ جنگ جهانی کرونا به این بسنده نکرده است، بلکه میلیون‌ها گرسنه را بر اقتصاد آمریکا تحمیل کرد و برای اولین‌بار در سال‌یک قرن گذشته بیش از ۵۰ میلیون آمریکایی به گرسنگی و فقر مطلق خود ادّعان کرده و راهی صف‌های طولانی برای دریافت غذا و مایحتاج عمومی شده‌اند. کجا رفت آن افتخارات دونالد ترامپ؟ ترامپ چه دستاوردی برای عرضه در انتخابات چندماه آینده دارد؟

ترامپ نه‌تنها دستاوردهای جدیدی ندارد، بلکه دستاوردهای دو سال گذشته او هم در عرض چند هفته بر باد رفت؛ به عبارت دیگر ایالات متحده آمریکا در جنگ سوم جهانی به دلیل اینکه فقط در جست‌وجوی خوشبختی برای مردم آمریکا بود و دیگر کشورها را از درووبر خود پراکنده کرد، به این شکل افتخارآمیز خودرود تحسین خورد. خوشبختانه مردم آمریکا روزبه‌روز با فریکاری‌ها رهبر پوپولیست خود که به دروغ سعی می‌کند نشان دهد همه جهان را فدای آمریکا می‌کند، آتسما و بهتر متوجه می‌شوند احترام به روابط بین‌الملل و اصول حقوقی جهانی و احترام به حقوق سایر ملل و به در اس آن حق حیات دیگر ملل، چقدر مهم بود و بی‌توجهی با آنها تنها تا چه اندازه می‌تواند ضربات سهمگین و جبران‌ناپذیری به آمریکا وارد کند.

اما ترامپ هنوز به قدری خود ادامه می‌دهد و در یک حرکت ناشیانه دیگر، مردم ایالت‌های این کشور را علیه فرمانداران خود به شورش دعوت می‌کند و می‌گوید ایالت‌های کشور را آزاد کنید! احمق آن رهبری است که مردم را علیه دولت خودش بشوراند. این حرکت جدید ترامپ که در جهان و در تاریخ آمریکا بی‌نظیر است، صرفا از سر استیصال و برای پیروزی در انتخابات است که مستقیما امنیت ملی، حاکمیت و وحدت ملی مردم آمریکا را زیر سؤال می‌برد. ممکن است حمایت یک عده عوام که از ترس گرسنگی به میدان آمده‌اند، به‌نفع ترامپ تمام شود ولی قطعا به آثارشیم و هرج‌ومرج در درون ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آمریکا منتهی خواهد شد. امروز آمریکا درقاطبی شده است، آنها که می‌فهمند، نمی‌دانند ترامپ دچار چه اشتباه استراتژیکی برای امنیت ملی آمریکا می‌شود و آنها که نمی‌فهمند یا برای کسب درآمد موقتی از سیاست‌های مبارزه مدنی ترامپ خوشحال‌اند و با بوق و کرنا از او حمایت می‌کنند، در آینده کوتاه نتیجه این سیاست‌ها را در مظهر سقوط ابرقدرتی آمریکا مشاهده خواهند کرد.

دبیر ستاد مفاسد اقتصادی نهاد ریاست جمهوری، گزارش موسوم به ارزهای گم‌شده دیوان محاسبات را ارزیابی کرد

تأیید تخلف در پرونده ارزهای دولتی



که خود دیوان محاسبات هم بعد از انتشار گزارش اولیه خود، این جمله را تصحیح و شفاف کرد. بر اساس تحقیقات ما، تخلف صورت گرفته، اما دلاری کم نشده است. اگر در سال ۹۱ یا ۹۰ این اتفاق افتاد، الان با توجه به اینکه فرایند کار تخصصی ارزش، الکترونیکی انجام می‌شود و واردکنندگان برای دریافت ارز ثبت سفارش می‌کنند، ما می‌دانیم و کملا مشخص است که چه گسائی ارز را دریافت کرده‌اند و در ازای آن کالا وارد کرده‌اند یا کالا وارد نکرده‌اند، کالایی که وارد نشده، در گمرک مانده یا هنوز مراحل واردات آن انجام نشده یا واردکننده ارز را گرفته و کالایی وارد نکرده یا حتی اینکه چه کسی ارز را گرفته و آزاد فروخته است. بنابراین در این فرایند اصلا نقطه پنهانی وجود ندارد، چراکه سیستم انجام کار، الکترونیکی است.

اد ادامه داد: نکته بعدی این است که اصلا حجم تخلف در روز دولتی ۴.۸ میلیارد دلار یا رقم‌هایی که در رسانه‌های مختلف اعلام می‌شود، نیست. واردات حجم زیادی از این ارز انجام شده و واردات بخشی از آن هنوز در مراحل انجام است و تا نهایی‌شدن گزارش دیوان محاسبات انجام نشده بوده، بخشی هم که به دلیل تحریم‌ها واردکننده نتوانسته کالا را وارد کند. در این بین تخلفاتی هم رخ داده است.

ارزهای دولتی موبایل و خودرو سال ۹۷ را یادتان هست؛ بخشی از این تخلفی که الان خیرساز شده، همان تخلفاتی است که رسیدگی و پیکیری آن در همان شش‌ماهه دوم سال ۹۷ شروع شد و برخی از پرونده‌های قضائی آن احکامش صادر شد و بخشی از آنها هم هنوز در دست بررسی است.

او با تأکید بر اینکه تخلف‌هایی در جریان تخصیص ارز دولتی انجام شده است، از گشایش صدها پرونده از نیمه دوم سال ۹۷ صحبت کرد و توضیح داد: این‌واقعیت را باید قبول کنیم که نظام‌های چندنرخ در هر بازاری منشا فساد است. اختلاف قیمت نرخ دولتی با نرخ بازار، جذباتی برای

اقتصاد

دبیر ستاد مفاسد اقتصادی نهاد ریاست جمهوری، گزارش موسوم به ارزهای گم‌شده دیوان محاسبات را ارزیابی کرد

برهه صادر می‌کند مبنی بر اینکه ۲۵ گروه کالا با نرخ ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومان و برای سایر کالاها به نرخ نیمایی حدود هفت هزار تومان تأمین ارز انجام خواهد شد.

عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس شورای اسلامی گفت: در این مصوبات، به موضوعات خاصی اشاره می‌شود که رعایت آن برای دستگاه‌های اجرائی و بانک مرکزی لازم‌الرعایه بوده است. بر اساس یکی از این ابلاغیه‌ها، ایفای تعهدات در بازه پنج‌ماهه از زمان تخصیص ارز باید انجام شود که در گزارش هم این موضوع مدنظر قرار گرفته است. به گفته عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس، اجازه به وزارت صمت برای تفکیک ثبت سفارش کالاهای اساسی وغیراساسی مبنی بر دریافت مابه‌التفاوت نرخ ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و نرخ ارز نیمایی از سوی بانک‌های عامل، موضوع مورد اختلاف است.

اظهارنامه‌ها در جریان شفاف‌شو

اما موضوع اختلافی بعدی مربوط به متصل نبودن سامانه‌های گمرک و وزارت صنعت و بانک مرکزی است؛ چنان‌که بعضی از اقلام کالایی وارد کشور شده‌اند، ولی به دلیل تکمیل نبودن مدارک در سامانه گمرک و بانک مرکزی، ترخیص کالا و عدم ایفای تعهدات صورت نپذیرفته است که این موارد تحت عنوان اظهارنامه‌های در جریان، در گمرک عنوان شده است.

وی افزود: همچنین تعدادی از تعهدات ارزی، مربوط به کالاهای سازمان‌هایی است که در گمرک اظهار و ترخیص نمی‌شود.

حسینی به ترخیص برخی از اقلام وارداتی در سال ۹۷ از طریق مناطق آزاد اشاره کرد و گفت: کالاهای واردشده از طریق مناطق آزاد، در سامانه گمرک ثبت نمی‌شود. همچنین تعدادی از ثبت سفارش کالا نیز قبل از سال ۹۷ وارد شده که ارز آن در سال ۹۷ تخصیص داده شده است.

به گفته این عضو کمیسیون برنامه‌وبودجه، با عنایت به مطالب بانک مرکزی و گمرک جمهوری اسلامی ایران بعد از تاریخ شانزدهم آذر ۹۸، رفع تعهد برخی اقلام صورت گرفته و تعدادی پرونده تخلف نیز از سوی وزارت صمت به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع داده شده است. درعین‌حال مبلغی نزدیک به ۱،۵ میلیارد دلار نیز تحت عنوان عدم ایفای تعهدات ارزی از سوی بانک مرکزی به قوه قضائیه ارسال شده است.

با تمام این صحبت‌ها، به نظر می‌رسد ماجرای ارزهای دولتی سال ۹۷ با اجماع دستگاه‌های درگیر در حال بررسی و شفاف‌سازی است، چنان‌که مقرر شده بانک مرکزی، گمرک و وزارت صمت، گزارش نهایی را در اختیار دیوان محاسبات قرار دهند و سپس در جلسه بعدی، جمع‌بندی نهایی و اعلام نظر انجام شود.

حیرانی دلالتان در معاملات کاغذی نفت آمریکا با فروش نفت منفی ۴۰ دلاری برای ما می

روز سیاه سقوط

قراردادها را داشتند، تجاری بودند که در بازار کاغذی حضور داشته و قادر به دریافت بشکه‌های فیزیکی در ماه می نیستند و به همین دلیل هم به‌شدت و با حیرانی به دنبال خریدار برای این قراردادهای می‌گشتند. در نظر بگیرید که این تجار عموما نفت را در چند ماه گذشته خریداری کرده‌اند که هنوز قیمت نفت تا ۵ دلار هم معامله می‌شد و پیش‌بینی روزهای گروانی را نداشتند که احتمالا نفت منفی خواهد شد (در بازار آتی می‌توانید قراردادهای تا ۶۰ ماه آینده (پنج سال آینده) را خرید و فروش کنید). این تاجر میانی، عموما در کوشینگ، ذخایر را اجاره می‌کنند و تحویل فیزیکی را انجام می‌دهند و در مخازن نگهداری می‌کنند تا قیمت نفت بالا برسد تا آن را به خریدار دیگری می‌فروشند. آن موقع امید داشتند که وقتی قیمت بالاتر رفت آن را به فرد دیگری بفروشند و دست‌به‌دست بشود تا به دست مصرف‌کننده نهایی برسد. اتفاقی که افتاد، این بود که حتی در کوشینگ، مخازن دیگر قابل استفاده نبود و به اجاره رفته و مخزن هم برای تحویل فیزیکی وجود نداشت. وقتی فضای برای ذخیره و تحویل نفت به‌صورت فیزیکی نیست، کسی نمی‌تواند نفت را بخرد و قیمت منفی می‌شود. «ناصری می‌گوید: «اغلب کسانی که دست به فروش با قیمت ۴۰ دلاری زدند، تاجر تازه‌کاری بودند که به مشاوره دسترسی نداشتند یا از آنها بهره‌مند نشده بودند، وگر نه این پیش‌بینی بیش‌تر صورت گرفته بود. آنها باید حداقل از هفته‌های گذشته برگه‌های خود را می‌فروختند و نمی‌گذاشتند در روز آخر نسبت به فروش آن اقدام کنند. این تجارت‌های چندین ماهه زوئن را در هر قیمتی ثبت ندهند. برای همین نرخ قیمت نفت آمریکا نزولی شد و با سرعت بالایی نسبت به نفت برنت و نفت دوپی در بازارهای آتی ریزش کرد.»مدیر بخش خاورمیانه شرکت بین‌المللی فکتزکلوپال انرژی یادآوری می‌کند که این قیمت برای معاملات آتی بوده و ارتباطی با قیمت کنونی نفت در آمریکا ندارد. همان نفتی که در معاملات واقعی دیروز با افت ۲۲درصدی البته به زیر ۴۰ دلار سقوط کرد، او می‌گوید: «فقرارداد آتی ماه زوئن را هم نگاه کنید هنوز روی ۲۰ دلار است. بنابراین آن قیمت واقعی نفت در آمریکا است.»ناصری با بیان اینکه مشخص شدن قیمت در بازارهای فیزیکی هم اتفاق می‌افتد و پیش‌تر هم رخ داده، توضیح می‌دهد: «قیمت کالا در بازار فیزیکی هم بارها منفی شده که گاهی یک یا چند ماه بود. برای نمونه قیمت گاز مایع (LPG) با همان پروپان و بوتان در کانادا منفی بوده است. در بخش‌هایی از کانادا، در چین تولید گاز، گاز مایع پروپان و بوتان تولید می‌شود که برای اتحادیه ایالت اوتلاهاما پر شده و نمی‌توان مخزن خرید. درحالی‌که اکنون هنوز مخازن دیگر وجود دارد اما در حال رسیدن به جای هشتمیم که همه این مخازن به سقف خود می‌رسند و نفت روی کشتی‌ها ذخیره می‌شوند و پیش‌بینی می‌شود در زوئن به جای می‌رسیم که درصد بهره‌برداری از کشتی‌ها هم به صد درصد می‌رسد. این اتفاق موجب رشد عجیب نرخ کرایه‌های نفت‌کشت خواهد شد.»

آیا نمی‌توان نتجار در ذخایر استراتژیک ذخیره کرد؟

احتمالا مهم‌ترین پرسش آن باشد که اگر اکنون ذخایر نفتی در سراسر ایمان ناصری، کارشناس ارشد بازار نفت و مدیر بخش خاورمیانه شرکت بین‌المللی فکتزکلوپال انرژی در گفت‌وگو با «شرق» چنین روایتی ارائه می‌دهد: «دیروز، روز آخر معاملات کاغذی هزاربشکه‌ای نفت برای تحویل در ماه می در بازار نفت آمریکا (نیمکس) و بازار بورس نیویورک است. این اتفاق خود را در شاخص WTI با شدت بیشتر ثبت شده است. قیمت نفت در این معاملات آتی در روز تجاری که پشت‌بستر گذاشتیم از بالای ۱۰ دلار به صفر و با یک سرعت غیرقابل وصف به ناگهان به حدود منفی ۴۰ دلار رسید و دوباره بازگشت و بازار در منفی پنج دلار بسته شد.»ناصری در ادامه با بیان اینکه هنوز به بدترین روزها نرسیده‌ایم، اما داده داد: «احتمالا بدترین روزها برای بازار نفت در نیمه دوم ماه می در ماه ژوئن رخ خواهد داد، زیرا آن زمان، ذخایر کوشینگ ایالت اوتلاهاما پر شده و نمی‌توان مخزن خرید. درحالی‌که اکنون هنوز مخازن دیگر وجود دارد اما در حال رسیدن به جای هشتمیم که همه این مخازن به سقف خود می‌رسند و نفت روی کشتی‌ها ذخیره می‌شوند و پیش‌بینی می‌شود در زوئن به جای می‌رسیم که درصد بهره‌برداری از کشتی‌ها هم به صد درصد می‌رسد. این اتفاق موجب رشد عجیب نرخ کرایه‌های نفت‌کشت خواهد شد.»

آیا نمی‌توان نتجار در ذخایر استراتژیک ذخیره کرد؟

احتمالا مهم‌ترین پرسش آن باشد که اگر اکنون ذخایر نفتی در سراسر

یادداشت

جوجه‌کش کیست؟

امیررضا بیدگلی

عضو هیئت‌مدیره انجمن ملی طیور

● اتفاقاتی که در هفته گذشته در جوجه‌کشی‌ها رخ داد و فیلم آن در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، می‌تواند با مثل هزاران اتفاق دیگر بیابند و برای ساعات یا حداکثر روزهایی ما را متأثر کنند و بروند و فراموش شوند، یا خودکاهانه آنها را به فرصتی تبدیل کنیم تا در پرتو آن بتوانیم گامی در بازنگری برخی رویه‌ها در صنعت پروتئین ایران برداریم. در ۲۰ سالی که از آزادسازی صنعت طیور می‌گذرد- اگرچه در این بین در مقاطعی به دلیل تغییرات نرخ ارز یا نگرانی‌های حاکمیت از قیمت‌ها در سطح مصرف‌کننده، عملا آزادسازی به تعلیق رفته است - بارها و بارها شاهد واکنش‌های عصبانی مرغداران بوده‌ایم؛ از خالی‌کردن جوجه‌های بی‌مشتی جلوی پای وزیر تا خودسوزی مرغداران. در دیگر نقاط دنیا که این اتفاق‌ها می‌افتد، امداران فرانسوزی را دیدم که شیر تاکرهای شیر را جلوی پای وزیر کشاورزی‌شان در ورودی نمایشگاه SPACE باز کردند. اما هیچ‌گاه سطح واکنش عمومی - و به تبع آن واکنش مسئولان ایران - تا این حد برانگیخته نشده بود؛ تا حدی که از راه‌های زنده‌به‌گورکردن و جوجه‌کشی استفاده کردند. چه شد که همه مسئولان، از رئیس‌جمهور تا وزرا واکنش نشان دادند، دستور پیگیری فوری صادر کردند، مرغداران را به جلسه‌ها فراخواندند و بعضا احکام شدداد و غلظ صادر کردند؟بیون‌شک یکی از دلایل این سطح واکنش، دست‌به‌دست شدن این‌ویدئوها در شبکه‌های اجتماعی و با مرجمت شبکه‌های تلویزیونی مخالف بود. کاری به این ندارم که عموما این شبکه‌ها مزدر و دشمنان هستند یا نیستند - که هستند - و از هر چیزی بهانه‌ای برای حمله به حاکمیت و حتی گاهی مردم درست می‌کنند - که همیشه می‌کنند اما آیا اگر این ویدئوها برای شبکه‌های خارجی جذباتی نداشت، باز هم مسئولان این‌گونه برخورد می‌کردند؟ شاید آنچه باعث شد واکنش مردم هم شدید باشد، این است که نه‌تنها موضوع این مسئله حیوانات بلکه نوزادان حیوانات است؛ آن‌هم جوجه‌مایکان که به خاطر زیبایی و اهلی بودنش همه دوستش داریم و از کودکی با آنها هم‌بازی بوده‌ایم. شاید کسی از بچه‌گره و توله‌گسگ و … فاصله بگیرد اما من نکرده‌ام؟ شاید آنچه باعث شد مایکان بترسد یا حداقل دوست نداشتند باشد یک‌بار نرمی کرک‌وبر آن را لمس کند. شاید دلایل دیگری هم داشته باشد که باید انسان‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و دانشمندان ارتباطات پاسخ دهند و چقدر مظلوم‌بودن این موجودات کوچک - که با له‌شدن و در گونی ریختن و فکاش خالی‌کردن‌شان نشان داده شد - در شدت واکنش ما به این مسئله دخیل است؟ آیا ما با این جوجه‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کنیم؟ در دو سه روز گذشته خیلی‌ها به این مسئله پاسخ دادند. پاسخ‌های داده‌شده توسط دولت‌مردان و مدیران تشکل‌های صنعت در چند دسته جای می‌گیرند:برخی با ادبیات کاملا تخصصی و فنی از مرسوم‌بودن این رویه در صنعت گفتند؛ سال‌هاست که در همه دنیا، جوجه‌های نر، نژادهای تخم‌گذار و در بسیاری از کشورها جوجه‌های نامناسب (ماده‌ها - وازده‌ها و …) نژادهای گوشتی در بدو تولد جوجه‌های مازاد بدون مشتری حذف می‌شوند که اگر ششما ندیده بودید دلیل بر نبودن نبود.برخی دیگر لزوم رعایت پروتکل‌های فنی حذف در این موارد را گوشزد کردند. پروتکل‌هایی که لحاظ‌کردن دانش فعلی بشر در اقتصاد، دام‌پروری، حقوق حیوانات، اخلاقی، رفاه حیوانی و محیط زیست تدوین شده‌اند. اگرچه آنچه در بسیاری از این رشته‌ها و به‌ویژه در حوزه‌های کاربردی بین‌رشته‌ای می‌دانیم، بسیار اندک است.عده‌ای خواستار تحویل رانگان این جوجه‌های مردم و روستاییان شدند. عده‌ای برآشفند و این حجم واکنش را نوعی سانتیماتالیسم خواندند و گفتند مگر ۴۵ روز بعد این جوجه‌ها را به سیخ نمی‌کشید و با ویسز خلاص کرنا گفتند و کلاان، مزارع پرورش و صنایع مرتبط آن را توسعه داده‌اند. این توسعه دادن حمایت و منابع ملی ممکن نبوده است و مردم - با واسطه حاکمیت و دولت - بار این حمایت را با تخصیص منابع مالی و تسهیلاتی و نیز تأمین زمین و … به دوش کشیده‌اند. خوشبختانه این صنعت - مانند بسیاری دیگر از بخش‌های کشاورزی - سودهای یادآورده و هفتک نداشته است که رانت‌جویان یا دولت‌ها را به خود جذب کند، پس سهم بخش غیرواقعی و غیرخصوصی در این صنعت بسیار ناچیز است. بیش از ۲۰ هزار مرغدار و صنایع وابسته با صدها هزار نفر نیروی انسانی در این زنجیره مشغول کار هستند.

ادامه در صفحه ۵